

جایگاه و نقش مکتب‌خانه‌های سنتی در فرهنگ اسلامی شیعیان افغانستان*

□ محمدرضا ضیایی *

چکیده

یکی از نظام‌های مهم اجتماعی که در فرهنگ مردم اثرگذار است، نظام آموزشی است که علاوه بر انتقال میراث فرهنگی گذشته به نسل آینده، تغییرات مطلوبی را در شناخت، نگرش و در نهایت رفتار انسان ایجاد می‌کند. اولین نظام آموزشی بعد از ظهور اسلام در افغانستان، مکتب‌خانه‌های سنتی بودند که توسط عالمان دینی در مکانهای خاص مانند مساجد، حسینیه‌ها، منازل شخصی برگزار می‌گردیدند، و به کودکان آموزش می‌دادند که بیشتر شامل قرآن کریم، بیان احکام و سواد خواندن و نوشتن می‌شد. براین اساس، مسأله پژوهش پیش رو عبارت است از بررسی جایگاه و نقش مکتب‌خانه‌های سنتی در فرهنگ اسلامی شیعیان افغانستان. این مقاله با بهره‌بری از منابع تاریخی و بایسته‌های روش تاریخ پژوهی و نیز پژوهش پیمایشی از طریق مصاحبه با افراد کارشناس و خبره به این سوال پاسخ داده است که جایگاه و نقش مکتب‌خانه‌های سنتی در فرهنگ اسلامی شیعیان افغانستان چگونه بوده است؟ این تحقیق با بهره‌بری از منابع مکتوب و احیانا مصاحبه با افراد خبره در مقام گردآوری و روش تحلیلی- توصیفی در مقام داوری به سامان می‌رسد. به نظر می‌رسد که مکتب‌خانه‌های سنتی در فرهنگ اسلامی شیعیان افغانستان دارای نقش و جایگاهی خاص است. **کلیدواژه‌ها:** افغانستان، فرهنگ، فرهنگ اسلامی، مکتب‌خانه، عالمان دینی و تعلیم و تربیت.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۲/۱۳؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۵/۲۰.
** دکتری تاریخ اسلام (rezaziae19@yahoo.com).

مقدمه

مکتب و جمع آن مکاتب که در زبان عربی کُتاب نیز آمده به معنای مکان و موضع تعلیم اطلاق می‌شود. در زمان‌های گذشته و قبل از ظهور دین مقدس اسلام، مکتب‌خانه فقط به طبقه ممتاز جامعه اختصاص داشت و سایر مردم از رفتن به مکتب‌خانه محروم بودند (دانش، ۱۳۹۰، ۱۴۸)؛ اما با ظهور دین مقدس اسلام و اهمیت به سزایی که اسلام به آموزش و فراگرفتن علوم و احکام دینی داد، کم‌کم اطفال سایر اقشار نیز با مکتب‌خانه آشنا شدند. (حر، ۱۳۸۳، ۱۰) کشور افغانستان نیز که یکی از کشورهای اسلامی است از زمان‌های بسیار دور دارای مکتب‌خانه بوده است و عالمان بسیار بزرگ دینی و شخصیت‌های علمی به شغل مقدس آموزگاری در مکتب‌خانه‌ها فعالیت داشتند. این مکتب‌خانه‌ها در بسیاری از مناطق افغانستان، تا دوره‌های متأخر حتی بعد از انقلاب و دوران مجاهدین نیز فعالیت داشتند. زیرا مکتب‌های رسمی و دولتی به خاطر اختلافات و ناامنی‌هایی که در کشور حاکم بود در بسیاری از مناطق شیعه نشین فعالیت نداشتند. بدین ترتیب این مقاله در صدد پاسخ به این سوال است که جایگاه و نقش مکتب‌خانه‌های سنتی در فرهنگ اسلامی شیعیان افغانستان چگونه بوده است؟ البته سوالات فرعی‌تری نیز مطرح خواهد شد مانند پیشینه مکتب‌خانه‌های سنتی در افغانستان از چه قرار است؟ جایگاه مکتب‌خانه‌های سنتی میان علمای دینی به چه صورت است؟ که در نوشتار حاضر به این سوالات نیز پاسخ داده خواهد شد.

پیشینه تحقیق

درباره مکتب‌خانه‌های سنتی در افغانستان و نقش و جایگاه آن در فرهنگ اسلامی آن کشور پژوهش توصیفی یا تحلیلی منسجم، و تحقیق جدی و مهمی انجام نشده است؛ و یا دست‌کم با بررسی منابع و تحقیقاتی که به مباحث علمی و فرهنگی افغانستان پرداخته‌اند، پژوهشی که به طور مستقیم به این موضوع پرداخته باشد، بدست نیامد. البته در این چند سال اخیر مقالات و پژوهش‌های پراکنده‌ای درباره مکتب‌خانه‌های سنتی، عالمان دینی و تاریخ حوزه‌های علمیه

شیعه در افغانستان کارهای صورت گرفته است که خالی از لطف نیست که به برخی از آنها اشاره شود:

۱. مجموعه مقالات همایش عالمان دینی در افغانستان ره آوردها و راهبردها، به کوشش مجمع علما و طلاب جاغوری که چهار مقاله درباره مکتب‌خانه و آموزش سنتی تدوین شده است، ولی به جایگاه و نقش مکتب‌خانه در فرهنگ اسلامی شیعیان افغانستان پرداخته است.

۲. مشاهیر تشیع در افغانستان که توسط عبدالمجید ناصری داوودی در چهار جلد تحقیق شده است و توسط انتشارات المصطفی چاپ گردیده است، از مکتب‌خانه‌های افغانستان نیز خبر داده است.

۳. تاریخ حوزه‌های علمیه شیعه در افغانستان، نگارش محمدرضا ضیایی، که توسط انتشارات بین المللی المصطفی به چاپ رسیده است نیز به برخی از فعالیت‌های مکتب‌خانه‌های سنتی اشاره نموده است.

۴. پایان نامه‌ای نیز در این موضوع تحت عنوان نقش مکتب‌خانه‌ها در حیات دینی شیعیان افغانستان توسط محمد حاجی کریمی در سال ۱۳۸۷ برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد تدوین شده است.

چنان‌که از عنوان‌های تحقیقات مشخص است به نقش و جایگاه مکتب‌خانه‌های سنتی در فرهنگ اسلامی شیعیان افغانستان پرداخته‌اند، هرچند در لابلای متن این نگاشته‌ها اشاره‌هایی بر موضوع شده است. براین اساس، موضوع مذکور که فقط به نقش و جایگاه مکتب‌خانه‌های سنتی در فرهنگ اسلامی شیعیان افغانستان می‌پردازد به نظر می‌رسد از بداعت و نوآوری برخوردار باشد.

مفهوم‌شناسی تحقیق

در طرح هر تحقیق و پژوهشی پیش از ورود به مباحث اصلی، نخست باید منظور از واژه‌ها و کلمات استفاده شده در آن روشن گردد؛ زیرا واژه‌ها و اصطلاحات ممکن است در هر جامعه

و فرهنگی، جایگاه و خاستگاه منحصر به فرد خود را داشته باشد که در جامعه و فرهنگ دیگر خلاف آن مراد باشد. براین اساس، بدون توجه به بررسی معنای واژگان نمی‌توان درباره‌ی واژه‌ها و اصطلاحات، قضاوت و داوری نمود. این مسئله چه بسا در مفاهیم واضح نیز ممکن است اتفاق بیافتد. بدین جهت، با توجه به نقش و جایگاه مفهوم‌شناسی در پژوهش‌های علمی و اهمیت شناخت معنی واژگان در تبیین موضوع بحث، پیش از آنکه وارد مباحث اصلی شویم، ضرورت دارد ابتدا مفاهیم کلیدی مورد استفاده در این پژوهش، مورد بحث و بررسی قرار گیرد. بدین منظور در این بخش به بررسی مفاهیمی مانند مکتب‌خانه و فرهنگ اسلامی که پایه مباحث این مجموعه است، پرداخته می‌شود.

مکتب‌خانه

مکتب‌خانه مرکب از دو کلمه «مکتب» و «خانه» است. مکتب به معنای محلی برای آموزاندن کودکان به کار می‌رود (دهخدا، ۱۳۳۸ش، ۴۵، ۹۸۲). لغت‌نویسی دیگر می‌نویسد: مکتب به مکانی که در آن کودکان به شیوه سنتی آموزش می‌دیدند، اطلاق می‌شود (انوری، ۱۳۸۱، ۴، ۷۲۸۸). بنابراین مکتب به معنای محل آموزش کودکان اطلاق می‌شود، و قید خانه که به آن اضافه شده است، قید زیادی و غیرضروری است ولی در اصطلاح و کلمات بزرگان و شعرا، مکتب‌خانه به محل تعلیم و آموزش اطلاق می‌شود. البته احتمال دارد مکتب به معنای مصدری خویش باشد. (دهخدا همان)

مکتب‌خانه‌ها نخستین مرکز تعلیم و تربیت اسلامی در نواحی مختلف افغانستان بوده است که توسط ملای مکتب اداره می‌شده است، و تا هنوز نیز البته به صورت بسیار کم‌رنگ در برخی مناطق محروم و کم برخوردار وجود دارد. یکی از محققان در مورد کاربرد مکتب‌خانه‌ها معتقد است، منظور اصلی مکتب‌خانه‌ها آموزش خواندن و نوشتن بود. به همین خاطر نام آن «مکتب» به معنای نوشتن و نوشت آموزش (تکتیب) انتخاب شده است. (شبلی، ۱۳۷۰، ۴۴).

فرهنگ

به دلیل پیچیدگی‌های موجود در واژه «فرهنگ» و تنوع موضوعی آن، تعریف جامعی که کاملاً بیانگر بار معنایی و مفهومی این واژه باشد، بیان نشده است. «فرهنگ» در فارسی از دو کلمه «فر» و «هنگ» مرکب شده است. کلمه «فر»، پیشوند است که به معنای جلو، پیش، بالا و «هنگ» ریشه‌ای اوستایی دارد که به معنای کشیدن آمده است. بنابراین، «فرهنگ» یعنی «بالا کشیدن» و «اعتلا بخشیدن». (دهخدا، ۱۳۳۸: ذیل واژه فرهنگ) همچنین این واژه به معنای دانش، حرفه، علم، فنون، هنر، آموختن، به کار بستن ادب، بزرگی، سنجیدگی، کتاب لغت، آموزش و پرورش، تربیت، آیین و رسوم و عقل کاربرد یافته است. (همان؛ نفیسی، ۱۳۵۵: ۲۵۵۷؛ معین، ۱۳۷۵: ۲۵۳۸؛ پهلوان، ۱۳۸۲: ۱۵-۱۲).

تعریف اصطلاحی فرهنگ

به دلیل تعریف‌های متعددی که از فرهنگ صورت گرفته، فقط به تعریف یکی از محققان که در این زمینه کار کرده است، بسنده می‌شود. واژه «فرهنگ» که معادل (Culture) به زبان لاتینی است، ابتدا به معنای کشت و زرع و در اصطلاح با تعاریف مختلفی کاربرد یافت. (پورد اوود، ۱۳۲۶: ۸۶-۸۵) بدین جهت گاهی به اختصار آن را تعلیم و تربیت و گاه نیز به تفصیل آن را مجموعه پیچیده‌ای از دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری معنا کرده‌اند که انسان به عنوان عضوی از جامعه به دست می‌آورد. (جان احمدی، ۱۳۹۲: ۳۶)

یکی از محققان، فرهنگ را چنین تعریف کرده است: «فرهنگ عبارت است از مجموعه دست‌آوردهای مادی و معنوی انسان که در سایه تلاش مشترک فکری و عملی در طول تاریخ حاصل شده است و همچون میراثی برای نسل‌های پسین باقی مانده و هر نسل آن را کامل‌تر نموده و به نسل بعدی سپرده است». (همان: ۳۷)؛ با این تعریف، مؤلفه‌های فرهنگ عبارتند از معارف و علوم، اعتقادات، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم، عرف و سنت‌هایی که برگرفته از

دین مقدس اسلام و دست کم موافق اسلام است و محصول پیشرفت ذهن انسان و نتیجه انتزاعی قوه تفکر و ادراک آدمی بوده، به عنوان حلقه پیوند انسان و اجتماع عمل می‌کند. (عیوضی، ۱۳۷۶: ۵)، اما وقتی سخن از فرهنگی اسلامی به میان می‌آید همه این مؤلفه‌ها را با رویکرد دینی و اسلامی دربر می‌گیرد. یعنی آداب و رسومی که بار دینی و اسلامی داشته باشد مورد توجه این مقاله خواهد بود.

شیعیان افغانستان

شیعیان افغانستان که امروزه مترادف با هزاره است از ساکنان اصلی و قدیمی سرزمین افغانستان هستند (خاوری، ۱۳۸۵، ۳-۱۰۲؛ نایل، ۱۳۷۲، ۳۰). گزارش دوره گرد چینی، هیانگ تسانگ، که در اوایل قرن دوم هجری که از هزارستان دیدن کرده است، شاهد دیگری بر این مطلب است (خاوری، ۱۳۸۵، ۲۱-۲۲). این گروه قومی که مذهب شیعه دارند بیش از ۲۷ درصد جامعه را تشکیل می‌دهند (دولت آبادی، ۱۳۸۷، ۲۸). البته اقوام دیگری مانند قزلبشان و برخی پشتون‌ها نیز پیرو مذهب شیعه هستند. با محاسبه این اقوام شیعه جمعیت شیعیان بین ۳۰ تا ۳۵ درصد مردم افغانستان را تشکیل می‌دهند.

پیشینه مکتب‌خانه در افغانستان

از زمان‌های دور، مکتب‌خانه‌ها نخستین مرکز تعلیم و تربیت اسلامی در نواحی مختلف افغانستان، و از جمله سرزمین کهن بلخ بوده است که معمولاً توسط مآلها و معلمین مکتب اداره می‌شد، و تا به حال نیز ویژگی‌های خود را به صورت بسیار کم‌رنگ حفظ کرده است. بنا به گزارش‌های تاریخی، بلخ در به وجود آوردن مکتب‌خانه‌ها در میان ساحات مختلف افغانستان بلکه جهان اسلام پیش تاز بوده است. نخستین مکتب‌خانه برای آموزش و پرورش کودکان در سرزمین بلخ توسط یکی از شاگردان امام سجاده ضحاک بن مزاحم بلخی پایه‌گذاری شده است. (ثقفی، ۱۳۷۴، ترجمه آیتی، ۲، ۲۴۰) وی در شهر «بروقان» از توابع بلخ با تاسیس مکانی برای آموزش کودکان و نوجوانان که بعدها مکتب‌خانه نام گرفت، به تربیت

شاگرد اهتمام ورزید. (نمازی شاهرودی، ۱۴۰۴ق، ۴، ۲۷۸؛ مزی، ۱۴۰۰ق، ۱۳، ۲۹۵) ایشان علاوه بر تعلیم و تربیت در مکتب‌خانه مذکور به روستاهای مختلف رفته و به آموزش و تعلیم می‌پرداخت، و چون توانایی ساخت مکتب‌خانه جدید را نداشت آنان را به مدارس ساخته شده جذب می‌کرد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ۹۹) تعداد شاگردان ضحاک بلخی را در حدود سه هزار پسر و هفت صد دختر ثبت نموده‌اند. (ثقفی، پیشین، ۲۴۰؛ تتوی، ۱۳۸۲ش، ۲، ۱۱۵۴؛ خواند میر، ۱۳۸۰ش، ۳، ۱۷۶؛ زرکلی، ۲۰۰۷م، ۳، ۲۱۵) به همین جهت است که یکی از مورخین ایشان را «اشراف المعلمین» و «فقهاء المعلمین» دانسته است. (هاشمی بغدادی، بی‌تا، ۴۷۵)

مکتب‌خانه سهل بلخی و فرزندش ابوزید بلخی

مسلماً فعالیت مکتب‌خانه‌ها بعد از ضحاک بن مزاحم بلخی نیز ادامه داشته است. سهل بلخی که در قرن سوم هجری زندگی می‌کرد؛ نیز معلم کودکان بود و در روستای «عربنکی» در نزدیک نهری به همین نام مکتب‌خانه داشت و به آموزش و تعلیم اطفال و نوجوانان اشتغال داشت (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ۴، ۲۵۳؛ حموی، ۱۴۱۴ق، ۱، ۲۷۵).

پسر وی به نام احمد بن سهل، معروف به ابوزید بلخی (۳۲۲-۲۳۵ق) از ادیبان، فیلسوفان، جغرافی دانان، اخترشناسان، پزشکان و متکلمان عصر خویش بود (آقابزرگ تهرانی، پیشین؛ ثعالبی، ۱۳۸۵، ۳۷۶).

مانند پدرش سهل بلخی در ابتدا مدتی به آموزش و تعلیم کودکان مشغول بوده است (همان). یکی از مستشرقان در این زمینه می‌نویسد:

اما معلم کودکان در مکتب‌خانه‌ها، که عالم مشهور ابوزید بلخی (متوفی ۳۲۲) مدتی این شغل را داشت؛ کارش بی‌ارزش تلقی می‌شد و زندگی را به سختی می‌گذراند (آدام متز، ۱۳۸۸ش، ۲۱۴)

در افغانستان مکتب‌خانه‌ها از لحاظ مکانی، محلی بخصوص نداشته و معمولاً در مساجد، حسینیه‌ها، خانه‌های معلمین و... بر پا می‌شد. مکتب دار که ملای مکتب نامیده می‌شود یک

روحانی بوده و به تعلیم و تربیت اطفال همت می‌گماشت. ملای مکتب نیز به دو دسته تقسیم می‌شد؛ عده‌ی از ملاها در مقابل آموزشی که به اطفال می‌دادند، و چیزی از اولیای کودک به عنوان حق الزحمه دریافت نمی‌کردند؛ چنان‌که ضحاک بن مزاحم بلخی این‌گونه بود (مزی، پیشین، ۲۹۶) اما عده‌ی دیگر از ملاهای مکتب در مقابل آموزشی که به کودکان می‌دادند، از پدران و اولیای آنان مقداری مساعدت جزئی دریافت می‌کردند (جمعی از نویسندگان، پیشین، ۷۹). بنابراین، مکتب‌خانه‌های سنتی در افغانستان پیشینه تاریخی دارد و شخصیت‌های علمی بزرگ دارای مکتب‌خانه بوده است.

نقش علمی و آموزشی مکتب‌خانه‌های سنتی

مکتب‌خانه‌های سنتی افغانستان به عنوان مرکز آموزشی و یادگیری کودکان و جوانان در رُشد علمی شیعیان افغانستان نقش بسیار مهمی داشته است. پیش از اینکه در افغانستان نظام آموزشی مدرن و مکتب (مدرسه) دولتی و رسمی به وجود بیاید، مکتب‌خانه مسؤولیت آموزش و سوادآموزی کودکان و جوانان شیعیان را به عهده داشت. محققان عملکرد مکتب‌خانه‌ها را در این دوره زمانی بسیار مثبت و سازنده ارزیابی نموده‌اند. (بختیاری، ۱۳۸۵، ۲۳۴). شاگردان با استعداد مکتب‌خانه‌ها پس از فراگیری علوم متداوله و سواد مقدماتی به مدرسه‌های علمیه می‌رفتند و به تحصیل و تحقیق ادامه می‌دادند. حتی در دهه‌های اخیر که مکتب‌های رسمی و دولتی شروع به فعالیت نمودند، مکتب‌خانه‌های سنتی همین نقش را داشتند. در برخی مناطق که میزان سواد مردم به ۷۰ درصد می‌رسد که سهم مکتب‌خانه‌ها در آن بیش از ۹۰ درصد است (همان). بسیاری از عالمان بزرگ افغانستان که امروزه در مسند و کرسی تدریس نشسته‌اند، دارای آثار علمی و شاگردان مبرز هستند در گذشته از شاگردان و دانش‌آموختگان مکتب‌خانه‌های سنتی بودند (ر.ک: ناصری داوودی، ۱۳۹۰، موارد مختلف). بعد از روی کار آمدن مکتب‌های رسمی و دولتی نیز مکتب‌خانه‌های سنتی به فعالیت خویش ادامه دادند. مکتب‌خانه‌ها برای مدتی در کنار مدارس دولتی در مقام یک رقیب و یا بدیل

فعالیت می‌کردند؛ زیرا در برخی مقاطع تاریخی مدارس دولتی به دلایل سیاسی به روی برخی اقوام بسته بود و تنها مرکز علمی که می‌توانستند تحصیل نمایند مکتب‌خانه‌های سنتی بود. به عنوان نمونه بعد از قتل نادرخان توسط عبدالخالق هزاره که یک دانش آموز بود، برای مدت‌ها مکاتب دولتی به روی شیعیان بسته شد و فقط مکتب‌خانه‌های سنتی در مناطق مختلف فعالیت داشتند و شیعیان را از بی‌سوادی نجات دادند. یکی از محققان نقش علمی و آموزشی مکتب‌خانه‌های سنتی را چنین توصیف نموده است:

حکومت متحجر افغانستان مخصوصاً در زمان نادرخان و بعد از قتل نادرخان که توسط یک دانش آموز شیعه کشته شد، درهای مکاتب (مدارس) دولتی را به روی فرزندان شیعه بستند، و تنها امید و روزنه باسواد شدن فرزندان شیعه مکتب‌خانه‌های سنتی و حوزه‌های علمیه بود که حتی در روستاهای دور افتاده، ابتدا در مکتب‌خانه‌ها و سپس مدرسه‌های دینی، درس می‌خواندند. این مدارس دینی توسط عالمان محلی بدون هیچگونه کمک و چشم‌داشتی از دولت افغانستان اداره می‌شد و فرزندان شیعه باسواد می‌شدند» (ضیایی، ۵۵۵، ۱۳۹۶).

علاوه بر این، بسیاری از شیعیان افغانستان به برنامه‌های مدارس دولتی خوش بین نبودند و فکر می‌کردند که مدارس دولتی فرزندان آنان را ملحد و بی‌دین بار خواهند آورد. به همین دلیل مکتب‌خانه‌های سنتی از جایگاه ویژه برخوردار بودند و تنها مرکز آموزشی مورد اعتماد شیعیان افغانستان به حساب می‌آمدند. براین اساس، شیعیان افغانستان نیز از مکتب‌خانه‌ها به شدت حمایت می‌کردند و تلاش می‌کردند فرزندان خویش را به جای مدارس دولتی به مکتب‌خانه‌های سنتی بفرستند تا هم علم بیاموزند و هم دین شان حفظ شود و بی‌دین و ملحد نگردند. برای نمونه یکی از محققان می‌نویسد:

وقتی در جاغوری واقع در ولایت غزنی در سال ۱۳۱۶ش برای نخستین بار مدرسه دولتی گشایش یافت و دولت مردم را مجبور کرد که پسران خود را به مدرسه بفرستند، خوانین منطقه از رفتن پسران خود به مدرسه دولتی جلوگیری کردند و پسران دهقانان و نوکران خود را به نام آنان به مدرسه فرستادند. حتی کودکان که نیمی از روز را به مدارس دولتی می‌رفتند نصف روز را به مکتب‌خانه سنی و نزد ملای مکتب رفته درس می‌خواندند تا اسیر

برنامه‌های کفرآمیز و الحادی مدارس دولتی نگردند (بختیاری، پیشین، ۲۳۵).

بدین ترتیب مکتب‌خانه‌های سنتی در آموزش و رشد فرهنگ اسلامی شیعیان افغانستان نقش داشته است. محققان کارکرد مکتب‌خانه‌ها را بسیار مثبت ارزیابی نموده‌اند و معتقدند که در برخی مقاطع تاریخی در سوادآموزی و رشد علمی شیعیان افغانستان بی‌بدیل بوده است. مکتب‌خانه‌های سنتی زمینه ساز ورود افراد با استعداد و سخت‌کوش به مراحل بعدی نظام آموزشی به ویژه حوزه‌های علمیه بوده است یعنی کسی می‌توانست وارد حوزه علمیه شود و در مقاطع بالا درس بخواند که در مکتب‌خانه‌های سنتی خوش درخشیده بودند (همان، ۲۳۵-۲۳۹؛ آیتی، ۱۳۹۰، ۵-۱۶۴). یکی دیگر از محققان معتقد است که هرچند گفته شده است که هدف ورسالت اصلی مکتب‌خانه‌ها، آموزش خواندن و نوشتن بوده است و به همین دلیل نام آن «مکتب» یعنی نوشتن و نوشت آموزش (تکتیب) انتخاب شده است (شلبی، ۱۳۸۱، ترجمه محمد حسین ساکت، ۴۹) ولی در میان شیعیان افغانستان مکتب‌خانه به عنوان مرکز آموزشی، حداقل تا سطوح متوسطه بوده است و بسیاری از علمای برجسته و بزرگ شیعه در افغانستان از همین مکتب‌خانه‌ها بروز و ظهور یافته‌اند (ضیایی، پیشین، ۷۲).

نقش مکتب‌خانه‌های سنتی در آموزش قرآن کریم

یکی از ویژگی‌های مهم مکتب‌خانه‌های سنتی نسبت به سایر مراکز علمی در افغانستان و سایر جهان اسلام این است که بنیاد آن بر پایه تعلیم و آموزش خواندن و نوشتن به ویژه توجه خاص به یادگیری قرآن کریم و تلاوت آن بنا گردیده است. یعنی این مراکز بابرکت از ابتدا با هدف انجام تعلیم و آموزش الفبای دینی به ویژه روخوانی و روان‌خوانی قرآن کریم بنا گردیده است. در حالیکه که سایر مراکز آموزشی مانند خانقاه‌ها، رباط‌ها، کتابخانه‌ها هرچند اهداف اولیه آنان نیز آموزش بوده، ولی به آموزش دینی و قرآن کریم اختصاص نداشته‌اند. در حالیکه مکتب‌خانه‌های سنتی از آغاز پیدایش تا به امروز به ویژه در میان شیعیان افغانستان، همواره در امر تعلیم و تربیت، خواندن و نوشتن و نیز آموزش قرآن کریم نقش مؤثر داشته است.

براین اساس، دانش‌آموزان از همان ابتدای ورودش به مکتب‌خانه با حروف و الفبای عربی و قرآن کریم آشنا می‌شوند و اولین چیزی که یاد می‌گیرند حروف قرآن کریم است. مکتب‌خانه داران که معمولاً عالمان کم‌سواد بودند از گذشته‌های دور متولی آموزش قرآن به کودکان و نوجوانان بودند و با سبک و سیاق خاصی به آموزش قرآن می‌پرداختند و معمولاً در طول یک دوره یکساله بطور متوالی و یا متناوب با گذراندن مقدمات آشنایی با حروف و حرکات و اعراب کلمات، آموزش روخوانی سی جزء قرآن کریم بطور کامل سپری می‌شد و تأکید فراوانی بر سر دقت در رعایت اعراب صحیح کلمات صورت می‌گرفت (خبرگزاری شبستان، ۱۳۹۴/۵/۲۶، شناسه خبر: ۴۷۹۴۸۱) هرچند ممکن است برنامه‌های درسی مکتب‌خانه‌ها در مناطق مختلف افغانستان متفاوت باشد ولی آن چه که در دهه‌های اخیر مرسوم بود و بسیاری از عالمان دینی نیز تعریف می‌کنند اولین برنامه درسی مکتب‌خانه‌ها برای افراد تازه وارد قاعده بغدادی بوده است. قاعده بغدادی دو بخش دارد: بخش اول به حروف الفباء اختصاص دارد که در ابتدا فقط الفبا را آموزش می‌دهد، سپس روی الفبا اعراب گذاری شده است، سپس تنوین را یاد می‌دهد. آنگاه ترکیب حروف را تعلیم می‌دهد. بخش دوم آن از سوره حمد سوره‌های کوچک قرآن را فرامی‌گیرد.

روخوانی قرآن کریم: در این مرحله که بعد از قاعده بغدادی است آموزش قرآن کریم را به صورت هجاء آغاز می‌کنند و به تدریج روخوانی که در زبان محلی از آن تعبیر به «روانی» روان‌خوانی می‌شود به کودکان آموزش می‌دهند، سپس قرائت قرآن کریم و تجوید آن را به دانش‌آموزان یاد می‌دهند. (بختیاری، پیشین، ۲۳۶) بدین ترتیب اولین برنامه آموزشی کودکان با ورود به مکتب‌خانه با آموزش الفبای قرآن کریم و آموزش آن کلید می‌خورد و دانش‌آموز تا قرآن آموزش نیند و به روخوانی و روان‌خوانی آن آشنایی پیدا نکند به مراحل بعدی راه پیدا نمی‌کنند.

نقش مکتب‌خانه‌های سنتی در آموزش احکام

یکی دیگر از برنامه‌های مکتب‌خانه‌های سنتی آموزش احکام است. آموزش احکام به دو

صورت عملی و تئوری انجام می‌شود. آموزش احکام به صورت عملی فقط شامل نماز و برخی احکام مبتلا به می‌گردد، به این صورت که ملای مکتب وقتی اذان را برای دانش آموزان یاد می‌دهد از آنها می‌خواهد که به نوبت در اوقات نماز به خصوص نماز ظهر به پشت بام حسینیه یا مسجد رفته با صدای بلند اذان بگویند. در هنگام نماز صبح و مغرب دانش آموزان موظفند که در محله و قلعه‌های خودشان به گفتن اذان بپردازند. سپس وقتی نماز ظهر و عصر را می‌خواند تمام دانش آموزان یا به ملای مکتب اقتدا می‌کنند و یا به نماز خواندن ملای مکتب توجه می‌نمایند و از این طریق با احکام و اجزای نماز آشنا می‌شوند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ۱۰۶). علاوه بر این، یکی از برنامه‌های درسی و آموزشی مکتب‌خانه‌ها آموزش احکام است. این برنامه آموزشی از سالهای خیلی دور در مکتب‌خانه‌ها وجود داشته است. پیش از این که رساله عملیه به زبان فارسی توسط مجتهدان شیعه تهیه و تنظیم گردد، مردم وسیله النجات آقا ابوالحسن اصفهانی را برای آموزش احکام در مکتب‌خانه‌ها فرا می‌گرفتند، بعد از آن، منهاج الصالحین مرحوم آیت‌الله حکیم را می‌خواندند. بعد از چاپ رساله عملیه، یکی از برنامه‌های درسی مکتب‌خانه‌های شیعه آموزش رساله عملیه بود که یکی از فقهای شیعه نگاشته بود. (به نقل از ابوی نگارنده که خود سالها مکتب‌خانه داشت.) علاوه بر این، در برخی مناطق ملای مکتب وقتی به خانه‌ها برای صرف شام می‌رفت که معمولاً به صورت نوبتی همراه با عده‌ای از موسفیدان و نزدیکان میزبان بود که یکی از برنامه‌های ملای مکتب بحث احکام بود که تبیین و بیان می‌گردید. بنابراین مکتب‌خانه‌های سنتی در تبیین احکام بسیار نقش فعال و مؤثر داشته‌اند.

نقش مکتب‌خانه‌های سنتی در تبیین عقاید اسلامی

از دیگر ویژگی‌های مکتب‌خانه‌های سنتی تبیین عقاید اسلامی بوده است. برخی محققان معتقد است که از جزء برنامه‌های هفتگی مکتب‌خانه‌ها آموزش عقاید در طول هفته است (جمعی از نویسندگان، پیشین، ص ۸۱). بنده به خوبی به یاد دارم سال اول که به

مکتب‌خانه رفتیم از جمله چیزهای که یاد گرفتیم چند جمله لاله الا الله محمد رسول الله ... بود که از آن تعبیر به «کلمه» می‌کردند، همچنین شهادتین که در اول کلمه «اشهد» داشت و سپس اصول دین را به ما آموزش دادند و این مسئله از خیلی قدیم در مناطق مختلف افغانستان از جمله هزارجات و بهسود مرسوم بوده است. شخصی به حاجی علی احمد آخوند که در حدود شصت سال قبل در قوم دهقان بهسود مکتب‌خانه داشته است یکی از برنامه‌های درسی ایشان، آموزش کلمه توحید، شهادت بر وحدانیت خدا و رسالت پیامبر ﷺ و امامت ائمه معصومین ﷺ و اصول دین بوده است (مصاحبه اختصاصی با احمدحسین حسینی، تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۵ ش). علاوه بر این یکی از برنامه‌های مکتب‌خانه‌ها سخنرانی و روضه‌خوانی در روزهای جمعه یا بعدازظهر پنجشنبه بوده است. در این سخنرانی علاوه بر این که مباحث اخلاقی مطرح می‌شد به مباحث اعتقادی مانند افضلیت ائمه ﷺ بر سایر مردم، معاد، عالم پس از مرگ و سایر مباحث اعتقادی توسط ملای مکتب بیان می‌شد که در تبیین عقاید دینی بسیار مؤثر بوده است. محققان در این زمینه نوشته‌اند:

ملا یا آخوند مکتب‌خانه اصول دین و احکام فقهی را به زبان ساده به دانش‌آموزان می‌آموزد. برای مثلا اصول پنجگانه دین و مذهب، صفات سلبی و ثبوتی خداوند، فروع دین (نماز، روزه، زکات، خمس، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، تولی و تبری)، احکام نماز مانند (مقدمات نماز، مقارنات نماز، شکیات و سهویات نماز)، نجاسات، و مطهرات به طور معمول در مکتب‌خانه‌ها به دانش‌آموزان آموخته می‌شود (بختیاری، پیشین، ۲۳۹ و ۲۴۰؛ آیتی، پیشین، ۱۶۵).

نقش مکتب‌خانه‌های سنتی در آموزش اخلاق اجتماعی

یکی از مسائل مهم در زندگی فردی و اجتماعی افراد، اخلاق اجتماعی است. چگونگی برخورد با دیگران، نوع روابط با اطرافیان حتی نوع نشستن در مجالس از مسائلی است که عالمان و مکتب‌داران سنتی به آن توجه داشته‌اند. بر این اساس، هرچند برنامه درسی تحت عنوان اخلاق اجتماعی در مکتب‌خانه‌ها وجود نداشت ولی نوع رفتار و عملکرد ملاحی مکتب

با شاگردان نشان از اهمیت این موضوع در مکتب‌خانه‌ها دارد. بدین ترتیب اخلاق اجتماعی کودکان و دانش‌آموزان یکی از اموری است که ملای مکتب به دقت زیر نظر داشته است. چنان‌که اگر یکی از کودکان به کاری می‌پرداخت که اخلاق اجتماعی در آن رعایت نشده بود به عنوان نمونه در مجلس در برابر بزرگترها موضع می‌گرفت و حرف بزرگان نمی‌پذیرفت یا همسایه را آزار می‌داد به شدت از طرف ملای مکتب‌خانه مورد تنبیه قرار می‌گرفت. علاوه بر این خود ملای مکتب به عنوان الگو برای کودکان همواره مواظب بود در روابط اجتماعی و حتی نوع نشستن آداب اسلامی را رعایت نماید. ملای مکتب روی تشک می‌نشست و در مجلس از دراز کردن پاهایش خودداری می‌کرد و اگر دانش‌آموزی در زمان تحصیل این کار را انجام می‌داد مورد سرزنش و تنبیه ملای مکتب قرار می‌گرفت. به همین جهت برخی از محققان تنبیه و آزار بدنی و روانی کودکان را در مکتب‌خانه، یکی از ویژگی‌های منفی آن به حساب آورده‌اند که با مبنای اسلامی و سیره اهل بیت^ع سازگاری ندارد؛ ولی در عین حال مردم از مکتب‌داری استقبال و تمجید می‌کردند که دارای روش خشونت و آزارشان بیشتر بود و غالب افراد این‌گونه مکتب‌دار را بر می‌گزیدند (جمعی از نویسندگان، پیشین، ص ۸۶). بدین ترتیب مکتب‌خانه‌های سنتی در آموزش اخلاق اجتماعی نیز مؤثر بوده است.

نقش مکتب‌خانه‌های سنتی در آداب و رسوم اسلامی

یکی از ویژگی‌های شیعیان افغانستان پابندی به آداب و رسوم اسلامی است که تا کنون نیز بین شیعیان این سرزمین به خوبی جایگاه و جریان دارد. با اینکه امروزه در افغانستان حکومت دموکراسی برقرار است و مردم از آزادی برخوردارند، تعدادی زیادی از شیعیان افغانستان از مهاجرت‌های چندین ساله در سایر کشورها با فرهنگ و آداب رسوم آن کشور برگشته‌اند. اما آداب و رسوم اسلامی به شدت مورد استقبال شیعیان افغانستان است. به نظر می‌رسد مکتب‌خانه‌های سنتی در ترویج آداب و رسوم اسلامی میان شیعیان افغانستان نقش داشته باشد. زیرا ملای مکتب علاوه بر تعلیم کودکان و دانش‌آموزان وظیفه تربیت آنان را نیز به عهده دارد.

رعایت آداب و رسوم اسلامی بیش از اینکه در مکتب‌خانه صورت گیرد در برنامه‌های مهمانی ملای مکتب که از آن به نوبت خوردن تعبیر می‌شود صورت می‌گیرد. زیرا در این مهمانی علاوه بر ملای مکتب چند نفر محاسن سفید و نزدیکان میزبان نیز شرکت می‌کنند. در این محفل مسائل دینی و اسلامی مطرح می‌شود. پذیرایی از مهمانان معمولاً به عهده فرزندان میزبان که شاگرد ملای مکتب است می‌باشد. در این مجلس زمینه خوب و مناسبی جهت تبلیغ دین اسلام که در گسترش معنویت و تقویت اخلاق تأثیر غیر قابل انکار دارد. از جمله برنامه‌ها روحانی محل (ملای مکتب‌خانه) رسیدگی به مشکلات و دلخوری‌های خانوادگی، اهالی محل، روابط دوستان، امر به معروف و نهی از منکر، مشورت دهی و اندرزهای اخلاقی است که در تحکیم نظام خانواده و کاهش مشکلات آنان و حاکمیت اخلاق در میان آنان بسیار مؤثر است (جمعی از نویسندگان، پیشین، ۱۰۸-۱۰۷). از جمله آداب و رسوم که ملای مکتب‌خانه به آن توجه دارد گفتن «سلام علیکم» هنگام ورود در مکتب‌خانه و حسینیه است که امر دینی و اسلامی به حساب می‌آید. در این مورد خود ملای مکتب سعی می‌کند از همه بلندتر و زودتر جواب سلام را بدهد که جنبه الگویی دارد، نوع نشستن از دیگر آداب اسلامی است که ملای مکتب‌خانه زیر نظر دارد. در مجلس ملای مکتب‌خانه چه در خانه و چه در حسینیه کودکان و دانش‌آموزان حق ندارند مثلاً پاهایشان را دراز نموده و بنشینند، و اگر این اسانه ادب صورت گیرد، ملای مکتب فوراً تذکر می‌دهد. نشستن سر سفره و رعایت آداب آن، از دیگر اموری است که ملای مکتب به شدت رعایت می‌کند، شستن دست قبل از غذا و بعد از غذا، گفتن «بسم الله» قبل از غذا و دعای سفره بعد از صرف غذا از دیگر برنامه‌های ملای مکتب است. شرکت در مراسم جشن‌های اسلامی و دینی مانند ولادت‌های معصومین، جشن‌های ملی مانند عید نوروز و مراسم شادی محله چون آمدن مسافر به وطن، همچنین حضور پررنگ و اطمینان بخش علمای دینی در عیادت بیماران، تشییع جنازه، اجرای مراسم تجهیز میت، مراسم ختم و... بسیار مهم و تعیین کننده است، و از لحاظ فرهنگی و روانی تأثیر فراوانی بر روحیه بازماندگان و گسترش معنویت دارد. (همان).

از دیگر برنامه‌های ملای مکتب حضور وی در حسینیه و مسجد بعد از فراغت از کارهای روزمره است که به مسئله (احکام) گویی، خواندن داستان‌های تاریخی و اسلامی، سیره معصومین^{علیهم‌السلام} و بزرگان دینی و علماء که خود بر فرهنگی سازی سالم جامعه و سمت و سودادن درست افکار و اندیشه‌ها و باورهای مردم کمک فراوان می‌کند. نام‌گذاری نوزادان محله از دیگر برنامه‌های ملای مکتب است که معمولاً در روز سوم ولادت و طی یک مراسم با صفا و ساده انجام می‌گیرد. نام‌گذاری‌ها عمدتاً اسلامی، جهت دار و طبق روایات رسیده از پیامبر اکرم^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} و در پرتو دیدگاه قرآن کریم صورت می‌گیرد. از این جهت شیعیان افغانستان یکی از باورمندترین و مقیدترین، مردم جهان به شمار می‌رود، نام‌ها به طور عموم اسلامی و برگرفته از نام‌ها و القاب معصومین^{علیهم‌السلام} که خود نشان از فرهنگ این مردم و برکات فرهنگی مکتب خانه‌ها به حساب می‌آید (همان). طبیعی است که ملای مکتب با توجه به مسئولیتی که دارد تلاش می‌کند تمام برنامه‌ها و مراسم دینی، مذهبی، فرهنگی و ملی مردم بر مبنای دین مقدس اسلام انجام شود.

مکتب‌خانه و اصلاح ذات‌البین

یکی از ویژگی‌ها و شاخصه‌های مهم مکتب‌خانه‌های سنتی شیعیان افغانستان اصلاح ذات‌البین است. با توجه به کارکرد مکتب‌خانه‌ها در میان شیعیان افغانستان، اصلاح ذات‌البین جزء وظایف روحانی محل (ملای مکتب‌خانه) به حساب می‌آید. اصلاح ذات‌البین یا همان آشتی بین مردم، یکی از مسئولیت‌های مؤمنین است. در معارف دینی و روایات اهل بیت^{علیهم‌السلام} بسیار به این موضوع اهمیت داده شده و به عنوان یکی از برترین عبادات معرفی گردیده است. چنان‌که امام علی^{علیه‌السلام} در آخرین سفارش‌های خویش به فرزندان، به این مهم توجه کرده فرمود:

«فَإِنِّي سَمِعْتُ جَدَّكُمْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ» (نهج البلاغه: نامه ۴۷). از جد شما رسول الله شنیدم که می‌فرمود:

اصلاح ذات‌البین از عموم نماز و روزه بهتر است». بنابراین، اصلاح ذات‌البین که در جامعه شیعی افغانستان یکی از وظایف و مسئولیت‌های روحانی محل و ملای مکتب‌خانه به حساب می‌آید، از اهمیت فراوان برخوردار است. امام صادق (ع) اصلاح ذات‌البین و آشتی بین مردم را به عنوان صدقه‌ای که خدا دوست دارد، معرفی کرده می‌فرماید:

«صَدَقَةٌ يُحِبُّهَا اللَّهُ إِصْلَاحُ بَيْنِ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَ تَقَارُبُ بَيْنِهِمْ إِذَا تَبَاعَدُوا» (کلینی، ۱۴۹۷ق، ج ۲: ۲۰۹). بخششی، که خداوند دوست دارد؛ آشتی و پیوند دادن بین مردم است به هنگامی که به فساد گریند و نزدیک ساختن آنها به یکدیگر است به هنگامی که از یکدیگر دور شوند».

صدقه اقسامی دارد: از آن جمله صدقه زبانی است که میان مردم با سخن شیوا و شیرین واسطه شود و تلاش کند تا آتش کینه‌ها را خاموش کند و با تشویق به گذشت و مهربانی و طلب آمرزش و حلالیت برای رضای خدا بین آنان صلح و دوستی برقرار کند. و بر این اساس خداوند متعال برای این بزرگواری؛ پاداش بزرگی در خور چنین تلاشی عطا می‌فرماید:

لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (نساء، ۱۱۴)؛ در بسیاری از رازگویی‌های آنان خیری نیست، جز کسی که [از این طریق] به صدقه، یا کار نیک، یا اصلاح در میان مردم فرمان دهد؛ و هر که برای طلب خشنودی خدا چنین کند، پس پاداش بزرگی به او خواهیم داد.

خداوند متعال در این آیه شریفه آشتی دادن را در کنار صدقه و کار نیک قرار داده است و روشن است که اگر به همراه رضایت خداوند باشد، چه پاداش نیکی خواهد داشت؛ زیرا گاهی امر به معروف یا صدقه زبانی آشکار، شاید سبب شرمندگی و لجاجت کسی بشود باید به دور از چشم دیگران و پنهانی عمل کرد و کمترین آنها دعا و درخواست آمرزش برای پیوند خوردن دل‌ها و گذشت از حق خویش برای ارتباط پیدا کردن بین انسان‌هاست (انصاریان، ۱۳۸۳ش، ج ۱۱، ص ۱۳). در افغانستان به ویژه مناطق مرکزی افغانستان خیلی از دعاوی

حقوقی، نزاع‌های طرفینی و خانوادگی توسط عالمان دینی محل؛ به ویژه روحانی مکتبخانه حل و فصل می‌شدند؛ زیرا حاکمان محلی که نماینده حکومت در منطقه بودند، بر اثر ظلم که بر مردم شیعه روا داشتند و به بهانه‌های مختلف آنان را مورد شکنجه قرار داده بودند، اموالشان را به بهانه مختلف به عنوان رشوه به غارت برده بودند؛ مورد اعتماد مردم نبودند. براین اساس، شیعیان سعی می‌کردند دعاوی حقوقی و غیر حقوقی خویش را در منطقه توسط روحانی محل که از هر جهت مورد اعتمادشان بودند حل و فصل نمایند. روحانی محل که به عنوان مکتبخانه‌دار نیز بود، چند نفر از محاسن سفیدان منطقه را کنار خود می‌گرفت و بین دو طرف دعوا مصالحه می‌کرد.

امر به معروف و نهی از منکر

در آموزه‌های دینی، «امر به معروف و نهی از منکر» که از آن گاهی به «نظارت عمومی» تعبیر می‌شود، از جایگاهی بس بلند برخوردار است. این تعلیم زندگی‌ساز الهی، همواره مورد توجه عالمان دینی و آخوندهای مکتبخانه‌ها در افغانستان بوده است. آنان در منبرها و سخنرانی‌های خویش به این مهم تأکید کرده به مؤمنان گوش‌زد می‌کنند که امر به معروف و نهی از منکر را فراموش نکرده به آن اهمیت دهند. عالمان دینی همواره سکوت را در برابر زشتی‌ها و هنجار شکنی‌ها روا ندانسته و خودداری از بیان حق را نکوهش کرده است. حضور روحانی محل در منطقه، عمدتاً با امر به معروف و نهی از منکر همراه است. تاریخ مردم افغانستان گواه نمونه‌های فراوان از فعالیت‌های اسلامی و در رأس آنها امر به معروف و نهی از منکر عالمان محلی (ملاهای مکتبخانه) است. آنان در اجرای حدود الهی و واکنش در برابر ارتکاب منکرات کوتاهی نمی‌کنند و در برابر اقدامات غیر اسلامی و ناهنجاری‌های اجتماعی عکس‌العمل نشان می‌دهند.

امر به معروف و نهی از منکر توسط عالمان محلی (ملاهای مکتبخانه)، علاوه بر اینکه در روزهای پنجشنبه و جمعه که برنامه پنجشنبه خوانی و جمعه خوانی داشتند، انجام می‌شد،

به صورت چهره به چهره نیز صورت می‌پذیرفت. عالمان محلی به خوبی دریافته بودند که تبلیغ چهره به چهره اثر بیشتر دارد. به همین جهت، روحانی محل در هنگام صرف غذا که عمدتاً با میزبان صرف می‌کرد و در جمع خصوصی خانواده میزبان حضور یافته به مسئله گویی، مشورت دهی، حل اختلاف خانوادگی و بیان اندرزهای اخلاقی می‌پرداخت که می‌توان گفت؛ در تحکیم نظام خانواده و کاهش مشکلات آنان و حاکمیت اخلاق در میان خانواده بسیار مؤثر بود. در این جلسات، اگر رفتار ناشایست و یا هنجار شکن از کسی سر می‌زد با واکنش روحانی محل مواجه می‌شد که طبعاً از بسیار فرصت مغتنم بود.

نتیجه

مکتب‌خانه‌های سنتی در میان شیعیان افغانستان، به عنوان بخشی از نظام آموزشی، پیشینه‌ای بسیار طولانی دارد. در منابع تاریخی و روایی از اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم از حضور مکتب‌خانه‌های سنتی در افغانستان خبر داده است. شخصیت‌های علمی مانند ضحاک بن مزاحم بلخی به شغل آموزگاری در مکتب‌خانه‌های سنتی فعالیت داشته است و این روند در قرون بعدی نیز ادامه پیدا نموده است. در برخی مقاطع تاریخی که نظام آموزشی جدید و رسمی نیز در افغانستان فعالیت داشته و برای حضور شیعیان در مکتب دولتی محدودیت‌های وجود داشت و فرزندان شیعه نمی‌توانستند وارد مکتب دولتی شوند، مکتب‌خانه‌های سنتی به عنوان رقیب و گاهی بدیل فعالیت داشته است. عالمان دینی تلاش می‌کردند شیعیان از با سواد شدن که جزء حقوق اولیه هر انسان به حساب می‌آید محروم نباشند. بسیاری از شیعیان افغانستان با توجه به این که نسبت به مکاتب دولتی بدبین بودند از مکتب‌خانه‌های سنتی به شدت استقبال می‌کردند و این نشان از نقش مکتب‌خانه‌های سنتی در آموزش و تعلیم شیعیان افغانستان است. روحانی محل و ملای مکتب علاوه بر آموزش کودکان به تربیت دینی، مذهبی و اخلاقی کودکان نیز همت می‌گمارند و کودکان را با وظایف دینی، مذهبی، اخلاقی و آداب و رسوم اسلامی آشنا می‌کنند که نشان از نقش مکتب‌خانه‌های سنتی در فرهنگی

اسلامی شیعیان افغانستان است. امر به معروف و نهی از منکر که در منابع دینی و مذهبی مورد تأکید قرار گرفته است از دیگر برنامه‌های روحانی محل (ملای مکتبخانه) بوده است چنان‌که به اصلاح ذات البین که در دین اسلام از اهمیت ویژه برخوردار است، جزء برنامه‌های فرهنگی مکتبخانه‌ها و عالمان محل بوده است.

کتابنامه

- انوری، حسن، (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن، چاپ اول.
- آدام متز، (۱۳۸۸) تمدن اسلامی در قرن چهارم، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیر کبیر، چاپ چهارم.
- آیتی، عبدالقیوم، (۱۳۹۰ش) تمدن و فرهنگ شیعیان افغانستان، از صفویه تا دوره معاصر، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشرالمصطفی، چاپ اول.
- انصاریان، حسین (۱۳۸۳.ه.ش)، تفسیر و شرح صحیفه سجادیه، دار العرفان، قم - ایران.
- بختیاری، محمدعزیز، (۱۳۸۵)، قم انتشارات شیعه شناسی، چاپ اول.
- البغدادی، ابوجعفر محمد بن حبیب بن امیه الهاشمی، (بی تا) کتاب المحبر، تحقیق ایلزله لیختن شتیتر، بیروت، دار الآفاق الجديدة.
- پوردوود، ابراهیم (۱۳۲۶)، فرهنگ ایران باستان، تهران: اساطیر.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۸۲). فرهنگ شناسی، تهران: قطره.
- تتوی قاضی احمد، آصف خان قزوینی، (۱۳۸۲ش) تاریخ الفی، تحقیق و تصحیح: غلام رضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- تهرانی، شیخ آقا بزرگ، (۱۴۰۸ق) الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ایران، قم، اسماعیلیان و کتابخانه اسلامیة تهران، سال انتشار.
- ثعالبی، أبو منصور عبد الملك بن محمد بن إسماعیل، (۲۳۸۵ش) تحسین و تقبیح، ترجمه: محمد بن ابی بکر بن علی ساوی، تحقیق و تصحیح: عارف أحمد زغول، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، چاپ اول.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، (۱۳۷۴ش) الغارات، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران، وزارت ارشاد، چاپ: دوم.
- جان احمدی، فاطمه (۱۳۹۲). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: نشر معارف.
- حر سید حسن، (۱۳۸۳)، نقش مسلمانان در پیدایش مدارس تا پایان قرن پنجم هجری، آینه

- پژوهش، ۱۳۸۳، شماره ۷۸، ص ۶-۱۶.
- حموی، شهاب الدین أبو عبد الله یاقوت بن عبد الله الرومی الحموی، (، ۱۴۱۴ هـ - ۱۹۹۳ م)، معجم الأدباء = إرشاد الأریب إلى معرفة الأديب، تحقیق: إحسان عباس، بیروت، دار الغرب الإسلامی، چاپ اول.
- خاوری، محمد تقی، مردم هزاره و خراسان بزرگ، عرفان، چاپ اول ۱۳۸۵.
- خواند میر، غیاث الدین بن همام الدین، (۱۳۸۰ش) تاریخ حبیب السیر، تهران، خیام، چاپ چهارم.
- دانش، فاطمه، (۱۳۹۰)، مکتبخانه‌های یزد؛ مطالعه جایگاه تعلیم دختران در سده‌های متأخر، فصلنامه فرهنگ مردم ایران، شماره ۲۶، ۱۳۹۰، ص ۱۴۷-۱۶۲.
- دولت آبادی، بصیر احمد، شناسنامه افغانستان، عرفان، چاپ چهارم، ۱۳۸۷.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۸) لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- زرکلی، خیر الدین، (۲۰۰۷م) الاعلام، قاموس التراجم، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ هفتم.
- شبللی، احمد، (۱۳۷۰ش)، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه محمد حسین ساکت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شلبلی، احمد، (۱۳۸۱ش) تاریخ آموزش در اسلام، از آغاز تا فروپاشی ایوبیان در مصر، ترجمه محمد حسین ساکت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم.
- ضیایی، محمدرضا، (۱۳۹۶ش) تاریخ حوزه‌های علمیه شیعه در افغانستان، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ اول.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۷۸). رشد مبانی فکری و تحول فرهنگ سیاسی در انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- فاضلی، خادم حسین، (۱۳۸۶) مکتب‌خانه‌ها در افغانستان، چالش‌ها و راهکارها، همایش عالمان دینی افغانستان ره آوردها و راهبردها، چاپ اول، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تحقیق و تصحیح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ: چهارم.
- مزی، یوسف بن عبد الرحمن بن یوسف، (۱۴۰۰ق - ۱۹۸۰م)، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال،

جایگاه و نقش مکتب‌خانه‌های سنتی در فرهنگ اسلامی شیعیان افغانستان □ ۲۳

تحقیق: د. بشار عواد معروف، بیروت، مؤسسة الرسالة، چاپ اول.

معین، محمد (۱۳۷۵). فرهنگ معین، تهران: امیر کبیر.

نایل، حسین، سایه روشنی‌هایی از وضع جامعه هزاره، قم، اسماعیلیان، چاپ اول، ۱۳۷۲.

نفیسی، علی‌اکبر (۱۳۵۵). فرهنگ نفیسی، تهران: کتاب‌فروشی خیام.

نمازی شاهرودی، محمد، (۱۴۰۴ق) مستدرکات علم رجال حدیث، تهران،

